

ج. کریشنا مورتی

اولین و آخرین رهایی

(فلسفه / روان شناسی)

با مقدمه‌ای از: آلدیس هاگسلی

مترجم:

دکتر قاسم کبیری



فهرست مطالب

۱۱	پیشگفتار آلدس هاكسلى
۲۳	فصل ۱- مقدمه
۳۴	فصل ۲- در حس و حوى چه هستيم؟
۴۱	فصل ۳- فرد و اجتماع
۵۰	فصل ۴- خودشناسى
۶۰	فصل ۵- ايدۀ و عمل
۶۸	فصل ۶- اعتقاد
۷۹	فصل ۷- كوشش
۸۶	فصل ۸- تناقض
۹۳	فصل ۹- خود چيست؟
۱۰۲	فصل ۱۰- ترس
۱۰۸	فصل ۱۱- سادگى
۱۱۵	فصل ۱۲- آگاهى
۱۲۱	فصل ۱۳- آرزو
۱۲۷	فصل ۱۴- رابطه و اروا
۱۳۲	فصل ۱۵- فكر و متفكر
۱۳۶	فصل ۱۶- آيا انديشيدن مى تواند مشكلات ما را حل كند؟
۱۴۲	فصل ۱۷- وظيفۀ دهى
۱۴۸	فصل ۱۸- خودفرى
۱۵۵	فصل ۱۹- فعاليت خودمركر
۱۶۱	فصل ۲۰- رمان و تحول

فصل ۲۱- قدرت و ادراک

- ۱- دربارهٔ بحران جاری
- ۲- دربارهٔ ملی‌گرایی
- ۳- منظور از داشتن معلمان روحانی چیست؟
- ۴- دربارهٔ دانش
- ۵- دربارهٔ انصاف
- ۶- دربارهٔ تنهایی
- ۷- دربارهٔ ریح‌کشیدن
- ۸- دربارهٔ آگاهی
- ۹- دربارهٔ رابطه
- ۱۰- دربارهٔ حس
- ۱۱- دربارهٔ ترس
- ۱۲- دربارهٔ دل‌زدگی و علاقه
- ۱۳- دربارهٔ نصرت
- ۱۴- دربارهٔ بدگویی
- ۱۵- دربارهٔ انتقاد
- ۱۶- دربارهٔ اعتقاد به پروردگار
- ۱۷- دربارهٔ خاطره
- ۱۸- تسلیم در مقابل «آن‌چه هست»
- ۱۹- دربارهٔ دعا و مراقبه (مدیتیشن)
- ۲۰- دربارهٔ دهی خودآگاه و ناحودآگاه
- ۲۱- دربارهٔ امور حسی
- ۲۲- دربارهٔ عشق
- ۲۳- دربارهٔ مرگ
- ۲۴- دربارهٔ رمان
- ۲۵- دربارهٔ عمل بدون ایده
- ۲۶- دربارهٔ قدیم و جدید
- ۲۷- دربارهٔ نام‌گذاری
- ۲۸- دربارهٔ شایسته و ناشایسته

- ۱۶۷
- ۱۷۶
- ۱۸۰
- ۱۸۳
- ۱۸۸
- ۱۹۲
- ۲۰۲
- ۲۰۶
- ۲۱۱
- ۲۱۷
- ۲۲۳
- ۲۲۸
- ۲۳۲
- ۲۳۶
- ۲۴۱
- ۲۴۶
- ۲۵۱
- ۲۵۶
- ۲۶۲
- ۲۶۵
- ۲۷۳
- ۲۷۹
- ۲۸۶
- ۲۹۰
- ۲۹۴
- ۳۰۰
- ۳۰۳
- ۳۰۷
- ۳۱۴

- ۲۹- راست و دروغ
 - ۳۰- دربارهٔ پروردگار
 - ۳۱- دربارهٔ ادراک فوری
 - ۳۲- دربارهٔ سادگی
 - ۳۳- دربارهٔ سطحی بودن
 - ۳۴- دربارهٔ استدال
 - ۳۵- دربارهٔ بی‌حرکتی دهی
 - ۳۶- دربارهٔ معای زندگی
 - ۳۷- دربارهٔ آشفته‌گی دهی
 - ۳۸- دربارهٔ تحول
- ۳۱۹
 - ۳۲۶
 - ۳۳۱
 - ۳۳۶
 - ۳۳۹
 - ۳۴۲
 - ۳۴۵
 - ۳۴۹
 - ۳۵۲
 - ۳۵۶

فصل ۱

مقدمه

برقراری ارتباط با هم، حتی اگر همدیگر را خوب شناسیم، کاری بس دشوار است شاید واژه‌هایی را که من به کار می‌برم برای شما تفاوت خاصی داشته باشد ادراک رمایی صورت می‌گیرد که ما، شما و من، در یک زمان و در یک سطح با هم روبه‌رو شویم یعنی میان مردم، میان زن و شوهر و میان دوستان صمیمی مهر و عاطفه وجود داشته باشد به چنین چیزی تبادل واقعی اندیشه و احساس می‌گویند پس به این ترتیب ادراک فوری رمایی حاصل می‌شود که ارتباط ما هم‌زمان و هم‌سطح باشد

مبادله افکار و احساسات به گونه‌ای آسان، مؤثر و با طرز عمل معین بسیار مشکل است من از واژه‌هایی ساده استفاده می‌کنم، واژه‌هایی غیرتکیکی، پراگمان نمی‌کنم که اصطلاحات فنی در حل مسائل مشکل نه ما یاری دهد بنابراین من از هیچ اصطلاح فنی روان‌شناسی یا علمی استفاده نخواهم کرد حوشحانه هیچ گونه کتاب روان‌شناسی یا مذهبی نخواهم مایلم به کمک واژه‌های ساده‌ای که در زندگی روزمره‌مان از آن‌ها استفاده می‌کنیم یک مفهوم عمیق‌تر را به شما ابلاغ کنم، اما در صورتی که شما نحوه گوش کردن را ندانید کار من بسیار دشوار خواهد شد

خوب برای این که بتوانیم واقعاً گوش کنیم باید تمامی تعصبات

قاعده‌ساری‌های ار پیش انجام شده و فعالیت‌های رورانه را رها کنیم وقتی اسان در یک حالت گیرندگی دهن باشد، امور به‌آسانی قابل فهم خواهند بود شخص، رمایی گوش می‌دهد که توحه واقعی‌اش را به چیری معطوف کرده باشد، اما متأسفانه بسیاری از ما ار پشت دیوار مقاومت گوش می‌کنیم دیواری ار تعصبا داریم، دیواری ار تعصبا‌های روان‌شناسی و علمی، دیواری ار نگرانی‌های رورمره، آروها و ترس‌ها و با این تعصبا‌ها گوش می‌کنیم؛ سانراین درحقیقت ما به سر و صدای خود، به قیل و قال خود گوش می‌کنیم؛ به آن چیری که گفته می‌شود کنارگذاشتن تعلیمات، تعصبا، تمایلات و مقاومت و رسیدن به چیری ورای بیان کلامی برای گوش دادن به‌گونه‌ای که ادراک‌آنی داشته باشیم، بسیار دشوار است این یکی ار معصلات ما است

اگر در حلال این بحث چیری گفته شود که برحلاف شیوه فکری و اعتقادی شما باشد، فقط گوش کنید، مقاومت به‌حرح بدهید شاید حق نا شما باشد و من اشتباه کنم؛ اما نا گوش دادن و توحه‌کردن همگی حقیقت را درمی‌یابیم حقیقت چیری بیست که کسی آن را به شما بدهد شما خود باید آن را کشف کنید و برای کشف آن باید دهن درحالی باشد که نتواند به‌طور مستقیم آن را درک کند هرگاه مقاومت، سپر محافظ و حماط وجود داشته باشد، ادراک مستقیم عملی بیست ادراک ار طریق آگاهی ار آن‌چه هست صورت می‌پذیرد؛ ریرا پی‌بردن دقیق به آن‌چه هست، به واقعیت، به حقیقت، بدون تعبیر و تفسیر آن، بدون محکوم‌کردن یا موحه‌ساحت، به‌طور حتم، ابتدای حرد است فقط وقتی که، براساس شرطی بودن حرد و تعصبا‌های‌مان، به تعبیر و تفسیر و معنی‌کردن می‌پردازیم، حقیقت را ار دست می‌دهیم به‌هرحال، چیری است شبیه تحقیق برای دانستن ماهیت هرچیر بیار به تحقیق داریم و نمی‌توانیم آن را براساس حالات روحی خود ترجمه کنیم به‌همین ترتیب

اگر نتوانیم به نگاه‌کردن، مشاهده و گوش‌دادن بپردازیم و ار آن‌چه هست آگاه‌ناشیم، مشکل حل می‌شود و این همان چیری است که ما در همه این بحث‌ها انجام خواهیم داد من می‌خواهم به شما گوش‌شرد کنم که آن‌چه هست، چیست و آن را براساس حیالات خود ترجمه نکنم؛ شما هم نباید آن را براساس رمینه یا آموخته‌های خود ترجمه و تعبیر کنید پس آیا امکان آگاه‌بودن ار همه‌چیر به‌صورتی که هست، وجود ندارد؟ اگر ار این حاشروع کنیم، حتماً به ادراکی می‌رسیم شاحت، آگاه‌بودن، رسیدن به آن‌چه هست، به کشمکش پایان می‌بخشد اگر بدانم که دروعگو هستم و این برای من حقیقتی شاحت‌شده باشد، سانراین کشمکش پایان یافته است شاحت، آگاه‌بودن ار آن‌چه که شخص هست، خود آعار حرد است، آعار ادراک است، ادراکی که شما را ار چنگ رمان خلاص می‌کند، کیفیت رمان را به‌میان‌آوردن - رمان به به‌معنای توالی تاریخی، بلکه به‌عنوان یک وسیله یا یک روند روان‌شاحتی و یا یک روند دهی - کاری است محرب و ایحاد آشفستگی می‌کند

سانراین، ادراک ما ار آن‌چه هست، موقعی صورت می‌گیرد که آن را بدون محکوم‌کردن، بدون توحیه و بدون تعیین هویت شناسیم آگاهی ار این که شخص در شرایط خاص یا حالت خاصی است، خود یک روند رهایی است؛ اما آن‌کس که ار شرایط خود و ار تلاش خود آگاه بیست، سعی می‌کند عیر ار آن چیری باشد که هست و این سرایش عادت می‌شود؛ پس سانراین به‌حاطر داشته‌ناشید که ما درنظر داریم به بررسی آن‌چه هست بپردازیم، به مشاهده آن‌چه که حقیقت است و آگاهی ار آن، بدون نقطه‌نظرهای متعصبا و بدون هیچ‌نوع تعبیر و تفسیری این بیار به یک دهن موشکاف حارق‌العاده دارد، به یک قلب اعطاف‌پذیر، تا نتواند ار آن‌چه هست آگاه‌شود و آن را دنبال کند؛ ریرا آن‌چه هست ار تعقیب